**بسمه تعالي**

**مروري اجمالي بر زندگي علي (ع)**

**(( بمناسبت بزرگداشت ميلاد با سعادت علي "ع" – 13 رجب المرجب ))**

**اي آنكه حريم كعبه كاشانه تست بطحا صدف گوهر يكدانه تست**

**گر مولد تو به كعبه آمد چه عجب اي نجل خليل خانه خود خانه تست**

**بنا به نوشته مورخين ولادت علي عليه السلام در روز جمعه 13 رجب در سال سي ام عام الفيل بطرز عجيب و بي**

**سابقه اي در درون كعبه يعني خانه خدا بوقوع پيوست . پدر آنحضرت ابوطالب فرزند عبدالمطلب بن هاشم بن عبد**

**مناف و مادرش هم فاطمه دختر اسد بن هاشم بود ، بنا براين علي (ع) از هر دو طرف هاشمي نسب است .**

**اما ولادت اين كودك مانند ولادت ساير كودكان بسادگي و بطور عادي نبود بلكه با تحولات عجيب و معنوي توام بوده**

**است مادر طفل خداپرست بوده و با دين حنيف ابراهيم زندگي مي كرد و پيوسته به درگاه خدا مناجات كرده و تقاضا**

**مي نمود كه وضع اين حمل را بر او آسان گرداند زيرا تا به اين كودك حامل بود خود را مستغرق در نور الهي مي**

**ديد و گوئي از ملكوت اعلي به وي الهام شده بود كه اين طفل با ساير مواليد فرق بسيار دارد.**

**شيخ صدوق و فتال نيشابوري از يزيد بن قعنب روايت كرده اند كه گفت من با عباس بن عبدالمطلب و گروهي از**

**عبد العزي در كنار خانه خدا نشسته بوديم كه فاطمه بنت اسد مادر امير المومنين در حاليكه نه ماه به او آبستن بود**

**و درد مخاض داشت آمد و گفت خدايا من به تو و به آنچه از رسولان وكتابها از جانب تو آمده اند ايمان دارم و**

**سخت جدم ابراهيم خليا را تصديق مي كنم و اوست كه اين بيت عتيق را بنا نهاده است به حق آنكه اين خانه را**

**ساخته و بحق مولودي كه در شكم است ولادت او را بر من آسان گردان ، يزيد بن قعنب گويد ما به چشم خود ديديم**

**كه خانه كعبه از پشت ( مستجار ) شكافت و فاطمه به درون خانه رفت و از چشم ما پنهان گرديد و ديوار بهم آمد**

**چون خواستيم قفل درب خانه را باز كنيم گشوده نشد لذا دانستيم كه اين كار از امر خداي عزّ و جلّ است و فاطمه**

**پس از چهار روز بيرون آمد و در حاليكه اميرالمومنين عليه السلام را در روي دست داشت گفت من بر همه زنهاي**

**گذشته برتري دارم زيرا آسيه خدا را به پنهاني پرستيد درآنجا كه پرستش خدا جز از روي ناچاري خوب نبود و مريم**

**دختر عمران نخل خشك را بدست خود جنبانيد تا از خرماي تازه چيد و خورد ( هنگاميكه در بيت المقدس او را درد**

**مخاض گرفت ندا رسيد كه از اينجا بيرون شو اينجا عبادتگاه است و زايشگاه نيست ) و من داخل خانه خدا شدم و**

**از ميوه هاي بهشتي و بر و برگ آنها خوردم و چون خواستم بيرون بيايم هاتفي ندا كرد : اي فاطمه نام او را علي**

**بگذار كه او علي است و خداوند علي الاعلي فرمايد : من نام او را از نام خود گرفتم و به ادب خويش تاديبش كردم**

**و او را به غامض علم خود آگاه گردانيدم و اوست كه بتها را از خانه من مي شكند و اوست كه در بام خانه ام اذان**

**مي گويد و مرا تقديس و تمجيد نمايد خوشا بر كسي كه او را دوست دارد و فرمانش برد و واي بر كسي كه او را**

**دشمن دارد و نا فرمانيش كند .**

**وچنين افتخار منحصر بفردي كه براي علي (ع) در اثر ولادت در اندرون كعبه حاصل شده است بر احدي از عموم**

**افراد بشر چه در گذشته و چه در آينده بدست نيامده است و اين سخن حقيقتي است كه اهل سنت نيز بدان اقرار و**

**اعتراف دارند چنانكه ابن صباغ مالكي در فصول المهمه گويد : " ولم يولد في البيت الحرام قبله احد سواه و هي**

**فضيله خصه الله بها اجلالا له و اعلاء لمرتبته و اظهارا لتكرمته ".**

**يعني پيش از آنحضرت احدي در خانه كعبه ولادت نيافت مگر خود او و اين فضيلتي است كه خداي تعالي به علي**

**(ع) اختصاص داده تا مردم مرتبه بلند او را بشناسند و از او تجليل و تكريم نمايند .**

**در جلد نهم بحار در مورد وجه تسميه آنحضرت به علي چنين نوشته شده است كه چون ابوطالب طفل را از مادرش**

**گرفت به سينه خود چسباند و دست فاطمه را گرفته و بسوي ابطح آمد و به پيشگاه خداوند متعال چنين مناجات نمود**

**" يا ربّ هذا الغسق الدّجي و القمر المبتلج المضيء / یبيّن لنا من حكمك المقتضي ماذا تري في اسم ذا لصّبي"**

**هاتفي ندا كرد : " خصصتما بالولد الزّكي والطّاهر المنتجب الرّضي**

**فاسمه من شامخ علي علي اشتق من العلي = شما دو نفر ( ابوطالب و فاطمه )اختصاص يافتيد به فرزند پاكيزه**

**و برگزيده و پسنديده پس نام او علي است و علي از نام خداوند علي الاعلي مشتق شده است .**

**در بعضي روايات آمده است كه فاطمه بنت اسد پس از وضع حمل ( پيش از آنكه بوسيله نداي غيبي نام او علي**

**گذاشته شود) نام كودك را حيدر نهاد و هنگاميكه او را قنداق كرده بدست شوهر ميداد گفت : " خذه فانّه حيدره**

**او را بگير كه او حيدر است " و چون نام آنحضرت علي گذاشته شد نام حيدر جزو ساير القاب بر او اطلاق گرديد**

**از القاب مشهورش حيدر و اسد اللّه و مرتضي و امير المومنين و اخو رسول اللّه بوده و كنيه آنجناب ابوالحسن و**

**ابو تراب است .**

**باري ولادت علي (ع) در اندرون كعبه مفاخر بني هاشم را جلوه تازه اي بخشيد و شعراي عرب و عجم در اين مورد**

**اشعار زيبايي سروده اند .**

**امير مومنان علي(ع) ده سال پيش از بعثت پيامبر(ص) ديده به جهان گشود و در حوادث تاريخ اسلام همواره كنار**

**پيامبر(ص) قرار داشت و پس از درگذشت آن حضرت نيز سي سال زندگي نمود .**

**از ولادت تا بعثت پيامبر (ص)**

**زماني كه علي (ع) ديده به جهان گشود ، بيش از سي سال از عمر با بركت پيامبراكرم (ص) نگذشته بود و پيامر**

**(ص) در چهل سالگي به رسالت مبعوث گرديد ، بنا براين علي (ع) در موقع بعثت پيامبر (ص) بيش از ده سال**

**نداشت .**

**در آغوش پيامبر(ص)**

**علي (ع) در دوره حساس شكل گيري شخصيت و دوره پذيرش تربيي و روحي در خانه حضرت محمد (ص) و تحت**

**تربيت ايشان بود . علي (ع) در دوران خلافت خود ، در خطبه " قاصعه "‌به اين دوره تربيتي خود اشاره نموده و**

**مي فرمايد :" شما ( ياران پيامبر ) از خويشاوندي نزديك من با رسول خدا و موقعيت خاصي كه با آن حضرت داشتم**

**آگاهيد و مي دانيد موقعي كه من خردسال بودم ، پيامبر مرا در آغوش مي گرفت و غذا در دهان من مي گذارد . من**

**همچون بچه اي كه بدنبال مادرش مي رود ، همه جا همراه او مي رفتم ، هرروز يكي از فضائل اخلاقي خود را به**

**من تعليم مي كرد و دستور مي داد كه از آن پيروي كنم ."**

**همچنين در اين خطبه به حضور خود در غار حراء در كنار پيامبر (ص) اشاره مي نمايد :**

**"پيامبر هر سال در كوه حراء به عبادت مي پرداخت و جز من كسي او را نمي ديد ... هنگامي كه وحي بر آن**

**حضرت نازل شد ، صداي ناله شيطان را شنيدم ، به رسول خدا عرض كردم : اين ناله چيست ؟ فرمود : اين ناله**

**شيطان است و علت ناله اش اين است كه او از اينكه در روي زمين اطاعت شود ، نا اميد گشته است . آنچه را من**

**مي شنوم تو نيز مي شنوي و آنچه را مي بينم تو نيز مي بيني جز اينكه تو پيامبر نيستي ، بلكه وزير ( من) و بر**

**خير و نيكي هستي" . در هر حال پاكي روح علي (ع) و تربيت هاي پيگير پيامبر (ص) سبب شد كه او در همان**

**دوران كودكي با قلب حساس ، ديد نافذ و گوش شنوا ، چيزهايي را ببيند و اصواتي را بشنود كه براي مردم عادي**

**ديدن و شنيدن آنها ممكن نيست .**

**ابن ابي الحديد معتزلي در شرح نهج البلاغه مي نويسد : " در كتب صحاح روايت شده است كه وقتي جبرئيل براي**

**نخستين بار بر پيامبر (ص) نازل گرديد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت ، علي (ع) در كنار پيامبر اسلام بود "**

**از بعثت تا هجرت پيامبر (ص) :**

**اين بخش از زندگي امام شامل يك سلسله خدمات و مجاهدات درخشان و اقدامات بزرگ و برجسته علي (ع) در راه**

**پيشرفت اسلام مي باشد كه در تاريخ اسلام نصيب كسي جز او نشده است .**

**نخستين كسي كه اسلام آورد**

**نخستين افتخار علي (ع) در اين دوران پيشگام بودن وي در پذيرفتن اسلام است . توجه خاص قرآن به موضوع**

**" سبقت در گرويدن به آئين اسلام " به حدي است كه حتي كساني را كه پيش از فتح مكه ايمان آورده و جان و مال**

**خود را در راه خدا بذل نموده اند ، افرادي كه پس از پيروزي مسلمانان بر مكيان ، ايمان آورده و جهاد كرده اند ،**

**برتر شمرده است چه رسد به كساني كه پيش از هجرت و در سالهاي نخست ظهور اسلام ، مسلمان شده اند ، آنجا**

**كه مي فرمايد : كساني از شما كه پيش از پيروزي ( فتح مكه ) در راه خدا انفاق كردند و سپس به جهاد پرداختند ،**

**با كساني كه بعد از آن در راه خدا انفاق و جهاد كردند ، يكسان نيستند ، بلكه آنان در پيشگاه خدا مقامي برتر دارند**

**و خداوند به هر دو وعده نيك داده است ...".علت برتري اميان مسلمانان پيش از فتح مكه ( كه در سال هشتم**

**هجري صورت گرفت ) اين است كه آنان در موقعي ايمان آوردند كه اسلام در جزيره العرب به اوج عظمت نرسيده**

**بود و هنوز پايگاه بت پرستان يعني شهر مكه به صورت دژ شكست ناپذيري باقي بود و خطرهايي از هر طرف جان**

**و مال مسلمانان را تهديد مي كرد . البته مسلمانان پس از مهاجرت به مدينه و گرايش اوس و خزرج و قبايل اطراف**

**مدينه به اسلام ، از پيشرفت و ايمني نسبي برخوردار بودند و در بسياري از درگيري ها ي نظامي غالب و پيروز**

**مي شدند ، ولي خطر هنوز بكلي برطرف نشده بود .بنابراين درصورتي كه گروش به اسلام و بذل مال و جان در**

**چنين شريطي ، از ارزش خاصي برخوردار باشد ، قطعا اظهار ايمان و اسلام در آغاز دعوت پيامبر (ص) كه قدرتي**

**جز قدرت قريش و نيرويي جز نيروي بت پرستان در كار نبود ، ارزش بالاتر و بيشتري خواهد داشت . از اين نظر**

**سبقت در اسلام در ميان ياران پيامبر (ص) ، از افتخارات مهم بشمار مي رفت . با اين توضيح ميزان ارزش**

**پيشگامي علي (ع) در اسلام بخوبي روشن مي گردد .**

**دلائل پيشگامي علي (ع)**

**1)پيش از همه ، خود پيامبر اسلام (ص) به پيشقدم بودن علي (ع) تصريح كرده و در ميان جمعي از ياران خود**

**فرمودند : " نخستين كسي كه در روز رستاخيز با من در كنار حوض ( كوثر )ملاقات مي كند پيشقدم ترين شما در**

**اسلام ، علي بن ابيطالب است .**

**2)دانشمندان و محدثان نقل مي كنند :**

**حضرت محمد (ص) روز دوشنبه به نبوت مبعوث شد و علي (ع) فرداي آن روز ( سه شنبه ) با او نماز خواند .**

**3) امام در خطبه " قاصعه " مي فرمايد : " آن روز اسلام جز به خانه پيامبر و خديجه راه نيافته بود و من سومين**

**نفر آنها بودم (كه ) نور وحي و رسالت را مي ديدم و بوي نبوت را استشمام مي نمودم .**

**حامي و جانشين پيامبر (ص)**

**پيامبر اسلام به مدت سه سال ، از دعوت عمومي خودداري مي ورزيدند و تنها در تماس هاي خصوصي با افرادي**

**كه در زمينه پذيرش را در آنها احساس مي كرد ،‌آنها را به اسلام دعوت مي كرد .**

**پس از سه سال فرشته وحي نازل شد و فرمان خدا را ابلاغ كرد كه پيامبر دعوت همگاني خود را از طريق دعوت**

**خويشان و بستگان آغاز نمايد . فرمان خدا چنين بود :**

**" بستگان نزديك خود را از عذاب الهي بيم ده و پرو بال مهر و مودت خود را بر سر افراد با ايمان فروگستر**

**( نسبت به آنان ابراز علاقه ومحبت كن ) پس اگر با تو از در مخالفت وارد شوند بگو من از كارهاي ( بد ) شما**

**بيزارم ." پيامبر به علي (ع) دستور داد كه چهل و پنج نفر از شخصيت هاي بزرگ بني هاشم را براي ضيافت ناهار**

**دعوت كند و غذايي از گوشت همراه با شير آماده سازد .**

**ميهمانان همگي در وقت معين به حضور پيامبر(ص) شتافتند و پس از صرف غذا (ابولهب) عموي پيامبر با سخنان**

**سبك خود مجلس را از آمادگي براي طرح سخن و تعقيب هدف ، انداخت و مجلس بدون اخذ نتيجه به پايان رسيد و**

**مهمانان پس از صرف غذا و شير ، خانه رسول خدا (ص) را ترك گفتند و پيامبر تصميم گرفت كه فرداي آن روز ،**

**ضيافت ديگري ترتيب دهد و همه آنان را جز ابولهب به خانه خود دعوت نمايد .**

**باز علي (ع) به دستور پيامبر (ص) غذا و شير آماده نمود و از شخصيت هاي برجسته و شناخته شده بني هاشم**

**براي صرف ناهار و استماع سخنان پيامبر دعوت بعمل آورد. مهمانان همگي باز در موعد مقرر حضور بهم**

**رسانيدند . پيامبر(ص) پس از صرف غذا سخنان خود را چنين آغاز نمود : " هيچ كس از مردم براي كسان خود**

**چيزي بهتر از آنچه من براي شما آوردم ، نياورده است . من خير دنيا و آخرت را براي شما آورده ام . خدایم به**

**من فرمان داده كه شما را به توحيد و يگانگي وي و رسالت خويش دعوت كنم . چه كسي از شما مرا در اين راه**

**كمك مي كند تا برادر و وصي و نماينده من در ميان شما باشد ؟ "**

**ايشان اين جمله راگفته و مقداري مكث فرمودند تا ببينند كدام يك از آنان به نداي او پاسخ مثبت مي دهد ؟ در اين**

**موقع سكوتي مطلق آميخته با بهت و تحيّر بر مجلس حكومت مي كرد و همگي سر به زير فكنده و در فكر فرو رفته**

**بودند ، ناگهان علي (ع) كه سن او در آن روز از 15 سال تجاوز نمي كرد ، سكوت را در هم شكست و برخاست و**

**رو به پيامبر كرد و گفت : " اي پيامبر به خدا من تو را در اين راه ياري مي كنم " ، سپس دست خود را به سوي**

**پيامبر دراز كرد تا دست او را به عنوان پيمان فداكاري بفشارد ،در اين موقع پيامبر دستور داد كه علي (ع) بنشيند**

**بار ديگر پيامبر گفتار خود را تكرار فرمود ، باز علي (ع) برخاست و آمادگي خود را اعلام كرد . اين بار نيز**

**پيامبر (ص) دستور داد بنشيند و در مرتبه سوم نيز مانند دفعات پيشين كسي جز علي (ع) بر نخاست و تنها او بود**

**كه بپا خاست و پشتيباني خود را از هدف مقدس پيامبر (ص) اعلام كرد. در اين موقع پيامبر(ص) دست خود را بر**

**دست علي (ع) زد و جمله تاريخي خود را در مجلس بزرگان بني هاشم درباره علي (ع) بيان نموده و فرمود :**

**" هان اي خويشاوندان و بستگان من ! علي برادر و وصي و خليفه من در ميان شما است . "**

**فداكاري بزرگ**

**در سال سيزدهم بعثت به دنبال انعقاد پيمان عقبه دوم در شب سيزدهم ذي الحجه ، ميان پيامبر اسلام (ص) و**

**يثربيان كه طي آن مردم يثرب پيامبر را به آن شهر دعوت نموده و قول حمايت و دفاع از آن حضرت را دادند و از**

**فرداي آن شب مسلمانان مكه بتدريج به يثرب هجرت كردند ، سران قريش دانستند پايگاه تازه اي براي نشر دعوت**

**اسلام در يثرب آماده شده است از اين رو احساس خطر كردند ، چه مي ترسيدند كه پس از آن همه آزار و اذيت كه**

**به پيامبر و پيروان او رسانده اند ، پيامبر در صدد انتقام برآيد و اگر هم فرضا جنگ نداشته باشد ، ممكن است راه**

**بازرگاني قريش را كه از كنار يثرب عبور مي كرد مورد تهديد قرار دهد.**

**براي رويارويي با چنين خطري در آخر ماه صفر سال 14 بعثت در " دارالنّدوه " ( مجلس شوراي مكه) اجتماع**

**كردند و به چاره انديشي پرداختند كه سرانجام تصميم گرفتند از هر قبيله جواني آماده شود تا شبانه دسته جمعي بر**

**سر حضرت محمد (ص) بريزند و او را در بستر خواب قطعه قطعه كنند ، در اين صورت قاتل يكنفر نخواهد بود**

**بني هاشم نمي توانند به خونخواهي برخيزند زيرا جنگ با همه قبائل براي آنان مقدور نخواهد بود و ناچار به گرفتن**

**خون بها راضي خوهند شد و ماجرا خاتمه خواهد يافت . قريش براي اجراي نقشه خود شب اول ربيع الاول را**

**انتخاب كردند .**

**در شب موعود علي (ع) بجاي پيامبر در بستر ايشان خوابيد و زماني كه ماموران قريش با شمشير هاي برهنه به**

**خانه هجوم بردند ، علي (ع) از بستر بلند شد ، آنان با ديدن علي (ع) سخت برآشفتند و روي به وي كردند و گفتند**

**: محمد كجاست ؟ علي (ع) فرمود مگر او را به من سپرده بوديد كه از من مي خواهيد ؟ شما كاري كرديد كه**

**او ناچار شد خانه را ترك كند ؛ در اين هنگام به سوي علي (ع) يورش بردند و به نقل " طبري " او را آزردند و**

**آنگاه وي را به سوي مسجد الحرام كشيدند و پس از بازداشت مختصري او را آزاد ساختند و در سمت مدينه به**

**تعقيب پيامبر (ص) پرداختند .**

**قرآن مجيد اين فداكاري بزرگ علي (ع) را در تاريخ جاودانگي بخشيده و طي آيه اي او را از كساني معرفي مي كند**

**كه در راه خدا جان خود را فدا مي كنند :**

**" بعضي از مردم با ايمان جان خود را براي كسب خشنودي خدا مي فروشند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان**

**است " . مفسران مي گويند : اين آيه درباره فداكاري بزرگ علي (ع) در ليله المبيت نازل شده است**

**از هجرت تا شهادت پيامبر (ص)**

**علي (ع) برادر پيامبر (ص)**

**اخوت اسلامي و پيوند برادري از اصول اجتماعي آيين اسلامي است . پيامبر ( ص) به صورت هاي مختلف در ايجاد**

**و استوار ساختن اين پيوند ، كوشش نموده است و به اين منظور روزي در اجتماع مسلمانان بپا خاست و فرمود :**

**" تآخوا في اللّه اخوين اخوين = در راه خدا دوتا دوتا برادر شويد " ، آنگاه مسلمانان دو به دو دست يكديگر را به**

**عنوان برادري فشردند وبدين ترتيب وحدت و همبستگي بين آنان استوار تر گرديد و پس از آنكه براي هريك از**

**حاضران برادري تعيين گرديد ، علي (ع) كه تنها مانده بود ، با چشمان اشكبار به حضورپيامبر (ص) عرض كرد :**

**بين من وكسي پيوند برادري بر قرار نساختيد ، پيامبر(ص) فرمود : تو برادر من در دوجهان هستي ، آنگاه بين**

**خود و علي (ع) عقد برادري خواند . اين ميزان عظمت و فضيلت علي (ع) را بخوبي نشان مي دهد و روشن مي**

**سازد كه وي تا چه حد به رسول خدا (ص) نزديك بوده است .**

**در جبهه هاي جنگ**

**زندگي علي (ع) از هجرت تا شهادت پيامبر(ص) ، شامل حوادث و رويدادهاي فراوان بويژه فداكاريها ي بزرگ آن**

**حضرت در جبهه هاي جنگ است .**

**پيامبر اسلام پس از هجرت به مدينه ، بيست و هفت " غزوه " با مشركان و يهود وشورشيان و داشت كه علي (ع)**

**در بيست و شش غزوه از غزوات شركت داشت و فقط در غزوه " تبوك " به علت حساسيت شرايط كه بيم آن مي**

**رفت منافقان در غياب پيامبر در مركز حكومت اسلامي دست به توطئه بزنند ، به دستور پيامبر(ص) در مدينه ماند .**

**علي (ع) و مشاوره هاي سياسي خليفه دوم**

**امام علي (ع) در دوران خليفه دوم همچون دوره خليفه اول مشاور مهم و گره گشاي بسياري از مشكلات سياسي و**

**علمي و اجتماعي خليفه دوم بودند ، از جمله مشورتي كه آن حضرت به خليفه دوم پس از پيروزي مسلمانان در**

**سرزمين " قادسيه " بر نظاميان ايران ارائه نمودند و خليفه را از ترك نمودن مدينه منصرف ساختند و با توجه به**

**اين گره گشايي ها بود كه خليفه دوم مي گفت : به خدا پناه مي برم كه مشكلي پيش بيايد و ابوالحسن ( علي "ع" )**

**براي حل آن حضور نداشته باشد .**

**خلافت – چگونگي بيعت با امير المومنين (ع)**

**بدنبال قتل خليفه سوم عثمان ؛ مردم به حضرت مراجعه مي كردند ولي ايشان چندان خود را نشان نمي دادند و چون**

**مردم درخواست بيعت مي كردند ، از آنجا كه اوضاع را براي قبول خلافت نامساعد مي ديدند و حجت را بر خود تمام**

**نمي دانستند مي فرمودند :" مرا واگذاريد و به سراغ شخص ديگري برويد ، زيرا ما به استقبال وضعي مي رويم كه**

**چهره هاي مختلف و جهات گوناگوني دارد ( اوضاع مبهم و پيچيده است ) ، دلها بر اين امر استوار و عقل ها ثابت**

**نمي مانند ، ابرهاي فساد ، فضاي جهان اسلام را تيره و راه مستقيم ناشناخته مانده است . آگاه باشيد كه اگر دعوت**

**شما را اجابت كنم ، بر طبق علم خويش با شما رفتار خواهم كرد و به سخن اين و آن و سرزنش ملامت گران گوش**

**فرا نخواهم داد ، اما اگر مرا رها كنيد ، من هم مانند يكي از شما خواهم بود ، شايد من شنواتر و مطيع تر از شما**

**نسبت به خليفه شما باشم ، ومن وزير و مشاورتان باشم بهتر از آن است كه امير و رهبرتان گردم " .**

**اما چون رفت و آمدها زياد شد و درخواست هاي مصرانه مسلمانان افزايش يافت و سيل مردم مشتاق عدالت به درب**

**خانه حضرت سرازير گرديد ، امام احساس وظيفه كرد و ناگزير بيعت مردم را پذيرفت . امام در چند جاي نهج**

**البلاغه از استقبال پرشور و پافشاري مردم هنگام درخواست بيعت ياد نموده است . از آن جمله مي فرمايد :**

**" مردم همانند شتران تشنه كامي كه به آب برسند و ساربان رهايشان ساخته و افسار از سر آنها برگيرد ، بر من**

**هجوم آوردند ، به يكديگر تنه مي زدند و فشار مي آوردند آنچنانكه گمان كردم مرا خواهند كشت ، يا برخي ، برخي**

**ديگر را به قتل خواهند رسانيد ، سپس اين موضوع (قبول خلافت ) را زير و رو كردم ، همه جهاتش را سنجيدم به**

**طوري كه خواب را از چشمم ربود . "**

**نبرد در سه جبهه**

**خلافت و زمامداري علي (ع) كه سراسر عدل و دادگري و احياي سنّت هاي اصيل اسلامي بود ، برگروهي سخت و**

**گران آمد و صفوف مخالفتي در برابر حكومت او تشكيل گرديد . اين مخالفتها سرانجام به نبردهاي سه گانه با**

**" ناكثين " ، " قاسطين " و " مارقين " منجر شد .**

**مظلوميت امير المومنين علي (ع)**

**از مظلوميت مولاي متقيان حضرت علي (ع) هرچه بگوييم كم گفته ايم . مظلوميت امير المومنين علي (ع) در عصر**

**خود را مي توان از خطبه هاي ايشان در نهج البلاغه تا حدودي كه عقل گنجايش آن را داشته باشد درك كرد و فهميد**

**چه بسيار مردم كوفه كه دل امام را خون كردند . چنان كه در خطبه 27 آمده است :**

**" اي مرد نمايان نامرد ! اي كودك صفتان بي خرد كه عقل هاي شما به عروسان پرده نشين شباهت دارد . چقدر**

**دوست داشتم كه شما را هرگز نمي شناختم . شناسائي شما سوگند به خدا كه جز پشيماني حاصلي نداشت و اندوهي**

**غم بار سرانجام شد . خدا شما را بكشد كه دل من از دست شما پرخون ، و سينه ام از خشم شما مالامال است .**

**جرعه هاي غم و اندوه را جرعه جرعه به من نوشانديد و با نافرماني و ذلت پذيري ، راي و تدبير مرا تباه كرديد .**

**و يا در خطبه 26 آمده است :**

**" پس از وفات پيامبر (ص) و بي وفائي ياران ، به اطراف خود نگاه كرده ياري جز اهل بيت خود نديدم ( كه اگر**

**مرا ياري كنند ، كشته خواهند شد ) پس به مرگ آنان رضايت ندادم‌. چشم پر از خاك و خاشاك را نا چار فروبستم**

**و با گلويي كه استخوان شكسته در آن گير كرده بود جام تلخ حوادث را نوشيدم و خشم خويش فرو خوردم و بر**

**نوشيدن جام تلخ تر از گياه حنظل شكيبائي نمودم " .**

**مظلوميت علي (ع) در شهادت فاطمه (س)**

**از همه درد آورتر بيانات علي (ع) در خطبه 202 مي باشد كه به هنگام دفن حضرت فاطمه (س) با پيامبر درد و دل**

**نمودند :**

**" از اين پس اندوه من جاودانه و شبهايم ، شب زنده داري است تا آن روز كه خدا خانه زندگي تو را براي من**

**برگزيند . به زودي دخترت تو را آگاه خواهد ساخت كه امت تو ، چگونه در ستمكاري بر او اجتماع كردند .**

**از فاطمه (س) بپرس و احوال اندوهناك ما را از او خبر گير ، كه هنوز روزگاري سپري نشده و ياد تو فراموش**

**نگشته است ...**

**در ميان مومنان و پيشوايان ديني فقط يك نفر " اصبر الصابرين " لقب گرفته است و آن ، امير مومنان علي بن ابي**

**طالب است . در زيارت او يكي از عناوين اين است :" السلام عليك يا اصبر الصابرين "چرا ايشان اصبر الصابرين**

**است ؟ پاسخ اين سوال از كلام خود حضرت روشن مي شود كه فرمود :" صبر كردم در حالي كه خار در چشم و**

**استخوان در گلو داشتم " ، آيا در عالم كسی ديده شده كه هم خار در چشمش خليده باشد و هم استخوان در گلويش**

**گير كرده باشد و با اين حال صبر كند ؟ اما همين مرد بزرگ و همين " اصبر الصابرين " در هنگام شهادت فاطمه**

**زهرا (س) طاقتش تاب شد .**

**شگفتا مردي كه در مشكلات سنگين روزگار و حوادث تلخ و ناگوار دوران خود و در ميدان هاي جنگ و جهاد خم**

**به ابرو نياورده بود ، در شب شهادت فاطمه (س) آن چنان بي تاب شد كه خطاب به پيامبر (ص) عرض مي كند :**

**"اي رسول الله من در مرگ دخترت فاطمه صبرم تمام شد " چرا كه بايد او را به طرز پنهاني دفن كنم و تنها او را**

**در قبر بگذارم .**

**فاطمه زهرا (س) : با مظلوميت علي چه كنم خدا ؟!!!**

**روزي امير المومنين علي (ع)‌وارد خانه شد و مشاهده كردند بي بي فاطمه (س) در حال گريستن هستند ، از ايشان**

**علت گريه كردن را پرسيدند ، حضرت فاطمه (س) در جواب فرمودند : علي زنان محل مي گويند كه در بازار به تو**

**سلام نمي دهند .... اميرالمومنين (ع) لبخندي زد و فرمود ند : اين چيزي نيست به بعضي نيز كه سلام مي دهم**

**جوابي نمي شنوم ....**

**اما مظلوميت حضرت علي (ع) در زمان ما نيز مشهود است و حتي در بين ما مسلمانان كه دم از شيعه علي عليه السّلام مي زنيم .**

**" جرد جرداق " مسيحي استاد ادبيات عرب در لبنان در يكي از نوشته هاي خود اعتراف كرده بود : " جاذبه هاي**

**كلمات امام علي (ع) شوري در من ايجاد كرد كه 200 بار نهج البلاغه را مطالعه كردم " .**

**" ابن ابي الحديد " نيز كه از ادباي اهل سنّت است مي گويد : از وقتي كه اين خطبه ( خطبه 221) را يافتم تاكنون**

**كه پنجاه سال است ، حدود 1000 بار آن را خواندم و هربار در دلم ترس ، لرزش و پند پذيري تازه اي بوجود آمد.**

**براستي ما كه خود را از شيعيان امام علي (ع) مي دانيم و ادعاي محبت و ولايت او را داريم چند بار نهج البلاغه را**

**خوانده ايم ؟ آيا اين حاكي از مظلوميت مولايمان امير المومنين علي (ع) نيست ؟**

**چرا با نهج البلاغه بيگانه ايم ؟**

**اگر اندكي به آن توجه داشتيم آيا باز هم ، اين مشكلات و گرفتاري هاي دنيائي گريبانگير ما مي شد ؟**

**شهيد علم الهدي علاقه بسياري به نهج البلاغه داشتند به طوري كه در صفحه اول نهج البلاغه خودش نوشته بود :**

**اين كتاب متعلق به اينجانب سيد حسين علم الهدي مي باشد ( و) به هيچ وجه رضايت ندارم كه اين كتاب را از من جدا كنيد .**

**در اينجا خاطره اي از انس و الفت اين شهيد بزرگوار با نهج البلاغه بيان مي شود :**

**روزي حسين به كلاس نهج البلاغه وارد شد و از خواهري درخواست نمود كه تحقيق خود را ارائه دهند ليكن ايشان**

**آمادگي نداشت . نفر دوم و سوم نيز اعلام نمودند كه متاسفانه فرصت مطالعه نداشتند . حسين با ناراحتي شديد از**

**كلاس بيرون رفت و در حياط تربيت معلم قدم مي زد . برادر علي جمالپور كه استاد فلسفه بود ، حسين را ديد كه**

**بسيار نگران و ناراحت است و چيزي نگفت . خواهران كلاس سراسيمه از آقاي جمالپور خواستند كه واسطه شود تا**

**از حسين معذرت خواهي نمايند . وقتي جمالپور از حسين معذرت خواهي كرد ناگهان اشكهاي حسين از چشم سرازير**

**شد .حسين با گريه گفت : من از خواهران ناراحت نيستم ،من بر مظلوميت حضرت علي (ع) گريه مي كنم كه چرا**

**حتي ما شيعيان او را درك نمي كنيم ؟**

**جلوه هايي از اخلاق امير المومنين علي (ع)‌:**

**1) دقت و رعايت نسبت به بيت المال مسلمانان**

**شبي از شبها هوا سرد بود حضرت امير المومنين (ع) از كنيزش لباس خواست و كنيز يك قطعه قطيفه خدمت**

**حضرت آورد ، حضرت فرمود اين قطيفه از كيست ؟ كنيز گفت از بيت المال است . حضرت فرمود ببر در سرما**

**بخوابم و بي لباس بمانم بهتر است از اينكه خيانت به اموال مردم بكنم ( آري ) مولايمان اميرالمومنين (ع) شب را در سرما بي رختخواب خوابيد ولي قطيفه را به روي خود نكشيد .**

**ابن عباس مي گويد : باري از درهم و دينار را به خدمت علي (ع) مي بردم كه در راه ديدم شمشير علي (ع) را مي**

**فروشند ، چون به خدمتش رسيدم و علت فروش شمشير را جويا شدم فرمود : لباس نداشتم و خواستم از پول آن**

**لباسي تهيه كنم .!!!**

**2) نسيه ممنوع**

**روزي حضرت اميرالمومنين علي (ع) از جلوي مغازه قصابي كه داراي گوشت هاي خوبي بود عبور نمود،همين كه**

**چشم قصّاب به آن حضرت افتاد عرضه داشت : يا امير المومنين ! گوشت خوب و مناسبي دارم ، مقداري از آن را**

**براي منزل خريداري نمائيد . امام علي (ع) فرمود : پول همراه خود ندارم ، قصّاب گفت : مشكلي نيست ، من بابت**

**پول آن صبر مي كنم و هر موقع توانستيد پولش را بياوريد .**

**حضرت فرمود : خير ، من نسبت به خريد گوشت صبر مي نمايم ؛ و نسيه نمي خرم و بدون آن كه گوشت خريداري**

**حركت خود ادامه داد و رفت .**

**3) امام پدر يتيمان**

**مقداري عسل و انجير از همدان و حلوان براي حضرت آوردند ، امر فرمود بين يتيمان تقسيم كنند و خود حضرت**

**شخصا بچه هاي يتيم را نوازش مي كرد و از عسل و انجير به دهانشان مي گذاشت عرض مي كردند چرا شما اين**

**كار را مي كنيد ؟ مي فرمود : امام پدر يتيمان است اين عمل را انجام مي دهم تا احساس بي پدري**

**نكنند .**

**4) خشك كردن پيراهن**

**ابي اسحاق سبيعي مي گويد: روز جمعه اي بر دوش پدرم سوار بودم و امير المومنين (ع) بر منبر خطبه مي خواند**

**و پيراهنش را تكان مي داد ، به پدرم گفتم : آيا اميرالمومنين (ع) گرمش است ؟ پدرم جواب داد : گرما و سرما در**

**كار نيست ، پيراهنش را شسته و چون پيراهن ديگري نداشته آن را تكان مي دهد تا زودتر خشك شود . !!!**

**5) نماز علي (ع)**

**هنگامي كه امام علي (ع) مشغول نماز مي شد گوشش نمي شنيد و چشمش نمي ديد و زمين و آسمان و همه ما**

**فيها از خاطرش محو مي شد و با تمام وجود توجه خود را به مبدا حقيقت معطوف مي داشت ، در موقع نماز بدنش**

**در محراب بود اما روحش به سوي خداي رحمان در پرواز و آن گونه در ذات حق فاني می شد كه به كلي از**

**پيرامون خود غافل مي گشت و چنان كه خود فرمود به چپ و راست توجه نمي كرد و كساني را كه در طرف چپ**

**و راستش بودند را نمي شناخت .**

**6) سرچشمه فضيلت**

**"جرج جرداق" اشعاري از يك مسيحي درباره حضرت علي (ع) نقل مي كند ، آن مسيحي در اشعارش مي گويد اگر**

**به من اعتراض شود كه توبايد شعر براي "پاپ " بگويي ،چرا درباره ي علي شعر گفته اي ؟ جواب مي دهم كه :**

**"من عاشق فضيلتم و سرچشمه فضيلت را علي ديدم پس براي او شعر گفتم "**

**شهادت امام علي (ع)**

**سرانجام آن حضرت در شب بيست و يكم ماه مبارك رمضان سال چهل هجري با ضربه شمشير مسموم شقي ترين**

**امت آخر الزمان ابن ملجم مرادي ( لعنت الله عليه ) از گروه خوارج به شهادت رسيد و فرياد " فزت و ربّ الكعبه**

**= به خداي كعبه قسم رستگار شدم " حضرتش در آسمانها طنين افكند ودر حاليکه محاسن شريفش به خون سرش**

**خضاب شده بود مظلومانه روح بلندش به ملوك اعلي پركشيد و در جوار قرب الهي آرميد و عالمي را داغدار و**

**يتيم نمود و بشريت با اين شهادت ازاقيانوس بيكران علم و معرفت معنويت حضرتش محروم گشت .**

**آنحضرت در واپسين لحظات عمر مباركش پس از اين فاجعه دردناك خطاب به فرزندانش چنين سفارش مي كند :**

**" اي فرزندان عبدالمطلب ! مبادا شما را چنان ببينم كه به بهانه اينكه اميرالمومنين كشته شد دست به خون**

**مسلمانان بيالاييد ؛ هش داريد كه به قصاص خون من جز قاتلم را نبايد بكشيد ؛ بنگريد هرگاه كه من از اين ضربت**

**او جان سپردم تنها به كيفر اين ضربت يك ضربت بر او بزنيد و اين مرد را مثله نكنيد چرا كه از رسول خدا (ص)**

**شنيدم كه مي فرمود : " از مثله كردن بپرهيزيد گرچه با سگ هار باشد " .**

**و اينگونه امام حسن و امام حسين ( عليهما السلام) پس از شهادت آنحضرت به امر آن ايشان مراسم غسل و تكفين**

**ايشان را عهده د ار شدند و پيكر مبارك و شريفشان را به سرزمين غري در نجف اشرف انتقال دادند و شبانه**

**پيش از سپيده صبح در همان جا به خاك سپرده شد وبنا به وصيت حضرتش اثر قبر پنهان گرديد .**

**اين قبر پيوسته در دولت بني اميه پنهان بود و كسي بدان راه نمي برد تا آنكه امام صادق (ع) در**

**دولت بني عباس آن را نشان دادند .**

**فرازهايي از وصيت امام علي (ع) در بستر شهادت:**

**" شما را به تقواي الهي سفارش مي كنم و اينكه در طلب دنيا بر نياييد گرچه دنيا در طلب شما برآيد و برآنچه از**

**دنيا محروم مانديد اندوه و حسرت مبريد و حق بگوييد و براي پاداش ( اخروي ) كار كنيد و دشمن ظالم و ياور**

**مظلوم باشيد .**

**شما دونفر ( امام حسن و امام حسين عليهما السلام ) و همه فرزندان و خانواده ام و هركس را كه اين نامه ام به**

**او مي رسد سفارش مي كنم به تقواي الهي و نظم كارتان و اصلاح ميان خودتان ، چرا كه از جدّتان ( پيامبر صلي**

**الله عليه و آله و سلم ) شنيدم كه فرمود : " اصلاح ميان دوكس از انواع نماز و روزه برتر است " .**

**خدا را خدا را درباره همسايگان در نظر داريد ، كه آنان سخت مورد سفارش پيامبرتان هستند ، پيوسته به**

**همسايگان سفارش مي كرد تا آنجا كه پنداشتم آنان را " ارث بر" خواهد نمود .**

**خدا را خدا را درباره قرآن ياد كنيد ، مبادا ديگران به عمل برآن به شما سبقت گيرند .**

**خدا را خدا را درباره نماز ياد كنيد كه آن ستون دين شماست ...... و بر شما باد به همبستگي و رسيدگي به يكديگر**

**و بپرهيزيد از قهر و دشمني و بريدن از هم ؛ امر به معروف و نهي از منكر را رها نكنيد كه ( اشخاص ) بدتان**

**بر شما چيره مي شوند آن گاه دعا مي كنيد ولي مستجاب نمي گردد......**

**بجز از علي كه گويد به پسر كه قاتل من چو اسير توست اكنون به اسير كن مدارا ....**

**" اللّهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و اخر تابع له علي ذلك اللّهم العنهم جميعا "**

\*\*\*\*\*

**اشعار در وصف ولادت با سعادت ملاي متقيان علي (ع)**

**در ميان كعبه جان ، پرتو حق جلوه گر شد فاطمه بنت اسد هم ، صاحب زيبا پسر شد**

**كعبه آن شب ، غرقه درنور دل افروز خدا بود آسمان كعبه گويي ، مظهر صدها گهر شد**

**عطر جانبخش بهشتي در فضاي كعبه پيچيد تا كه ميلاد سعيد مرتضي فخر بشر شد**

**مژده ميلاد مولا ، مي كند از غم رهايم زين بشارت كام امّت ، مملو از شهد و شكر شد**

**بهار جاوداني**

**چلچله ها به تمنّاي پاسخ او ، آمدن بها ر را نويد مي دهند . او كه مهرباني را نثار عالميان مي كند و لاله ها در**

**دشت دلدادگي از عشق او شور زندگي مي گيرتد . او كه در كوچه باغ باورمان ماندني و جاويدان است . او كه**

**قوهاي سپيد بال آرام دريايي ، صحبتشان را با نام او آغاز مي كنند . او كه آفاق پرواز همه پرندگان مهاجر است .**

**او كه تجلّي هستي و مظهر ايمان است . او كه شهر دلمان همراه با نفس پاك او نفس مي كشد و نبض هستي اش**

**به تپش مي افتد . او كه دنيا از براي جلوه تمام وجودش كوچك بود و هست . او كه پايان شام انتظارمان و صبح**

**صادق شام تارمان بود .**

**آخرين احاديث علي (ع) به اصبغ بن نباته :**

**" هش داريد ، هركس پدر و مادرش را ناخشنود كند لعنت خدا بر او باد .**

**هش داريد هر كه از صاحبان خود بگريزد لعنت خدا بر او باد .**

**هش داريد ، هركه مزد اجير خود را ندهد لعنت خدا بر او باد ."**

**گزيده هايي از حكمت هاي امير المومنين علي بن ابيطالب ( عليه السّلام ) در نهج البلاغه :**

1. **العلم وراثه كريمه ، و الآداب حلل مجدّده ، و الفكر مرآه صافيه ( حكمت 5 )**

**دانش ميراثي گرانبها و آداب ، زيورهاي هميشه تازه و انديشه آيينه اي شفاف است .**

**2-خالطوا النّاس مخالطه ان متّم معها بكوا عليكم ، و ان عشتم حنّوا اليكم ( حكمت 10)**

**با مردم آنگونه معاشرت كنيد كه اگر مرديد بر شما اشك ريزند و اگر زنده مانديد با**

**اشتياق سوي شما آيند .**

**3-فاعل الخير خير منه ، و فاعل الشرّ شرّ منه ( حكمت 32)**

**نيكو كار ، از كارنيك بهتر و بدكار از كار بد بدتر است .**

**4-لا غني كالعقل ؛ و لا فقر كالجهل ؛ و لا ميراث كالادب ؛ و لا ظهيره كالمشاوره**

**(حكمت54)**

**هيچ ثروتي چون عقل ، و هيچ فقري چون ناداني نيست و هيچ ارثي چون ادب و هيچ**

**پشتيباني چون مشورت نيست .**

**5- اذا تمّ العقل نقص الكلام = چون عقل كامل گردد ،‌سخن اندك شود ( حكمت 71)**

**6-اضاعه الفرصه غصّه = از دست دادن فرصت ، اندوهبار است ( حكمت 118)**

**7-الصلاه قربان كلّ تقيّ = نماز موجب نزديكي هر پارسايي به خداست ( حمكت 136)**

**8-من استبدّ برايه هلك و من شاور الرجال شاركها في عقولها (حكمت 161)**

**هركس خود راي شد به هلاكت رسيد و هركس با ديگران مشورت كرد ، در عقل هاي آنان شريك شد .**

**9-اذا هبت امرا فقع فيه ، فانّ شدّه توقّيه اعظم ممّا تخاف منه .( حكمت 1759 )**

**هنگامي كه از چيزي مي ترسي ، خود را درآن بيفكن ، زيرا گاهي ترسيدن از چيزي ، از**

**خود آن سخت تر است .**

**10-ثمره التّفريط النّدامه ، و ثمره الحزم السّلامه ( حكمت 181)**

**حاصل كوتاهي ّ‌‌پشيماني و حاصل دور انديشي سلامت است .**

**11-الايمان معرفه بالقلب ، و اقرار باللّسان و عمل بالاركان ( ‌حكمت 227)**

**ايمان بر شناخت با قلب ، اقرار با زبان ، و عمل با اعضاء‌و جوارح استوار است .**

**12-مراره الدّنيا حلاوه الآخره ، و حلاوه الدنيا مراره الآخره ( حكمت 251)**

**تلخكامي دنيا ، شيريني آخرت ، و شيريني دنياي حرام ، تلخي آخرت است .**

**13-صحّه الجسد ، من قلّه الحسد = سلامت تن در دوري از حسادت است ( حكمت 256)**

**آري علي بهار جاوداني سال هاي زندگي همه ما انسان هاست .**

**مروري اجمالي بر**

**زندگي مولي الموحّدين حضرت امير المومنين علي بن ابيطالب (ع)**

**بمناسبت :**

**بزرگداشت ميلاد باسعادت مولاي متقيان علي (عليه السّلام)**

**( سيزدهم رجب المرجب )**

**تهيه و تنظيم :**

**دفتر مركزي جامعه تعليمات اسلامي**

**( اسفند ماه 1398 )**

**بسمه تعالي**

**سوالات مسابقه بزرگداشت ولادت با سعادت امير المومنين علي (ع)**

**1-علي (ع) در چه سالي ودر كجا متولد شدند ؟**

**الف) سي عام الفيل – مكه مكرمه ب) سي و سه عام الفيل – مدينه منوره**

**ج)سي عام الفيل – نجف اشرف د)سي و سه عام الفيل – مكه مكرمه**

**2-نام پدر و مادر و نسب ايشان چه بود ؟**

**الف) ابو طالب – خديجه – هاشمي ب) ابوطالب- فاطمه بنت اسد – هاشمي**

**ج) عبدالله – فاطمه بنت اسد -هاشمي د) عبدالله - خديجه - هاشمي**

**3-القاب مشهور و كنيه علي (ع) چيست ؟**

**الف) حيدر – مرتضي - اسدالله/ابوتراب – ابوالحسن ب) اخو رسول الله – مصطفي – امير المومنين/ابوتراب- اباعبدالله**

**ج)اسدالله –امير المومنين –حيدر/ابواليتامي-ابوالحسين د) اخورسول الله – مرتضي –مصطفي /ابوالمعالي –ابوالحسن**

**4-علي (ع) نقش و تاثير پيامبر (ص) در رشد ابعاد شخصيتي و تربيت ايشان را دركدام خطبه بيان نمودند؟**

**الف) مالك اشتر ب) همام ج) قاصعه د )اخلاقي و تربيتي**

**5)دعوت عمومي پيامبر (ص) پس از چند سال و خطاب به چه كساني آغاز شد؟**

**الف) سه سال – مردم مكه ب) دوسال – خويشاوندان**

**ج) سه سال – همه انسانها د) سه سال – خويشاوندان پيامبر(ص)**

**6) پيامبر (ص) در كجا (بر اي نخستين بار) علي (ع) را ، برادر و وصي و جانشين خود معرفي كردند ؟**

**الف)در مجلس بزرگان بني نظير ب) در مجلس بزرگان بني قريظه**

**ج) در مجلس بزرگان بني هاشم د) در مجلس بزرگان بني تميم**

**7)از ديدگاه مفسران شان نزول آيه زير در مورد چه كسي و مربوط به چه حادثه اي مي باشد ؟**

**" بعضي از مردم با ايمان جان خودرا براي كسب خوشنودي خدا مي فروشند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است "**

**الف)علي (ع) – فداكاري در" ليله المبيت " كه بجاي پيامبر(ص) در بستر ايشان خوابيدند.**

**ب) حمزه عموي پيامبر(ص)- حمايت از پيامبر (ص) در جنگ با كفار و مشركان**

**ج)علي (ع) – ايثار و فداكاري در " دارالندوه " و حمايت از پيامبر(ص) در جنگ با كفار و مشركان**

**د)سلمان فارسي – پيشنهاد حفر گودال در اطراف شهر در جنگ خندق**

**8)پيامبر (ص) پس از مهاجرت مكه به مدينه در چند غزوه (جنگ با مشركان) با علي (ع) مشتركا حضور داشتند؟**

**الف ) 24 غزوه ب) 25 غزوه ج) 26 غزوه 7) 27 غزوه**

**9) علي ( ع) در كداميك از غزوات پيامبر(ص) حضور نداشتند ؟ چرا؟**

**الف) احد – بخاطر رسيدگي به محرومين و مستمندان ب) تبوك – بخاطر پيشگيري از توطئه منافقان**

**ج)خندق – بخاطر حفاظت از اموال بيت المال د) بدر– بخاطر پيشگيري ازتوطئه كفار و مشركان**

**10- اين جمله از كيست ؟" به خدا پناه مي برم اگر مشكلي پيش آيد و ابوالحسن( علي "ع" ) براي حل آن حضور**

**نداشته باشد".**

**الف) خليفه سوم (عثمان) ب) خليفه اول ( ابوبكر ) ج) خليفه دوم ( عمر بن خطاب) د) هرسه مورد**

**11) كداميك از موارد زير جزو مخالفان علي (ع) پس از تشكيل حكومت ايشان بشمار نمي رود؟**

**الف) قاسطين ب) مارقين ج) ناكثين د) ماکثین**

**12) در کدامیک از خطبه های زیر به مظلومیت اشاره شده است ؟**

**الف) 23-24 -200 ب)22-23-201 ج)26-27-202 د)25-27-220**

**13- در میان پیشوایان دینی فقط یکنفر لقب " اصبر الصابرین " گرفته است وآن ...... است .**

**الف) حضرت فاطمه زهرا (س) ب) حضرت زینب (س) ج)امام علی (ع) د) امام سجاد (ع)**

**14- از دیدگاه علی (ع) ثمره و نتیجه "عقل کامل " چیست ؟**

**الف ) کم حرفی ب) کم پوشی ج) کم خوابی د) کم خوری**

**15 –از دیدگاه علی (ع) راه علاج و درمان " ترس " چیست ؟**

**الف) دوری ازعامل ترس ب)مواجهه با عامل ترس ج)مشاوره در مورد ترس د)بررسی عامل ترس**

**16- از دیدگاه علی (ع) آثار و پیامد "حسادت نورزیدن به دیگران " کدامیک از موارد زیر می باشد ؟**

**الف) صحت عقل ب) صحت روان ج) صحت جسم د) صحت قلب**

**17- کدامیک از موارد زیر از رهنمودهای علی (ع) در زمینه "همزیستی مسالمت آمیز با دیگران " نمی باشد؟**

**الف)بگونه ای زندگی کنید که دیگران مشتاق ارتباط با شما باشند .**

**ب) بگونه ای زندگی کنید که اگر از دنیا رفتید بر شما بگریند .**

**ج)بگونه ای زندگی کنید که حداکثر استفاده را از فرصتها بعمل آورده باشید .**

**د)بگونه ای زندگی کنید که دیگران مشتاق دیدار با شما باشند .**

**18- از دیدگاه نهج البلاغه پیامد " خود رایی " چیست ؟**

**الف) هلاکت و نابودی ب) غر ور و سرمستی ج) نادانی و جهالت د) خشم و تند خویی**

**19- کدامیک از گزینه های زیر از منظر علی (ع) از " کار نیک " بهتر است ؟**

**الف) پرهیزکار ب) خدمتکار ج) مددکار د) نیکوکار**

**20-از دیدگاه نهج البلاغه بهترین " میراث " ...... می باشد.**

**الف) ادب ب) تقوی ج) عبادت د) اخلاص**